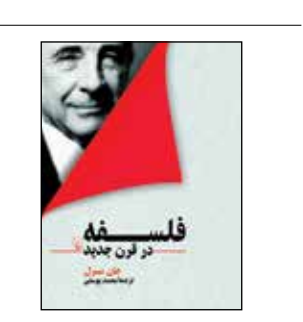




سهاکمل‌های پنج میلی متری که انتشارات افق منتشر کرده است، مجموعه‌ای از آثار مدرن و برجسته ادبیات معاصر جهان است. کتاب‌هایی کوچک با داستان‌هایی جذاب که در یک نشست خوانده می شوند و کمک می کنند تا با صرف کمترین زمان و کمترین هزینه لذت خواندن بهترین آثار ادبی جهان را تجربه کنیم. در این مجموعه داستان‌هایی از چالز بو فوسکی، جان چپور، ارنست همینگوی، ویتولد گمبرویچ، مک‌مردیچ و آلیس مونرو، سیلویا پلات-تدهویز، ریچارد رایت، و امیل زولا تا ترجمه مجموعه‌ای بهترین مترجمان شناخته‌شده ایران چاپ شده است. ابتکار انتشارات افق در چاپ کتاب‌هایی کم حجم، کم‌وزن و کم‌هزینه با کیفیت خوب، برای انسان مدرن شهری امکان کتاب‌خوانی در هر شرایطی را فراهم کرده است.

نولته همیشه به آزادی علم تأکید داشت. هابرماس به عدم سلطه در علم اعتقاد داشته اما خودش و جناحش یک چور سلطه از پایین را اعمال می کردند و دهان نولته را می بستند. کسانی در آلمان اعتقاد داشتند که نولته پیش از بحث کردن باید عذر خواهی کند

کتاب فروشنده دوره گرد از پتر هاند که با ترجمه آرزو اقبالی را انشر چشمه به چاپ رسانده است. پتر هاند که یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان ادبیات آلمانی زبان است. این نویسنده اثر پیشی ویرنده جایزه فرانزش بافکارا یکی از اوانگادهای بزرگ ادبیات آلمانی زبان می‌داند و رمان هایش هم در ساسترا، هم در انتخاب موضوع از بداعت برخوردارند. هاند که در رمان فروشنده دوره گرد، ارسال ۱۹۶۷ منتشر کرد، زمانی که بر اساس قواعد ژانر پلیسی و در استقبال از آثار ریومنچندر نوشته شده، اما فراتر از ژانر مد‌گور حک می‌کند. رمان داستان یک فروشنده است که شاهد جنایت است، مردی که می‌تواند ببیند و برای همین در هر لحظه و تکه‌ای از متن مخاطب با رازها و رمزهایی که به آن‌ها اشاره می‌کند همراه می‌شود، مگر کوره‌ها حل نمی‌شود. یک‌بار در رمان در خشان و البته مهیج که قرار است خواننده خود را فافلگیر کند. هاند که نویسنده فیلم‌نامه مشهور برلین زیر بال فرشتگان است. هاند که در زمینه فاشیسم نیز مطالعات و آثار مهمی دارد و جوایز معتبری هم دریافت کرده است.



کتاب فلسفه در قرن جدید از جان سول را محمد یوسفی ترجمه کرده و نشر ققنوس منتشر کرده‌است. سول آثار برجسته‌ای در سه‌قلمرو فلسفه دارد، فلسفه ذهن، فلسفه زبان و فلسفه اجتماع. این کتاب جستارهایی را در این سه قلمرو در اختیار خواننده قرار می‌دهد. دامنه این جستارها گسترده است: هستی‌شناسی اجتماعی که در آن می‌کوشد با بیانی فشرده و آموزنده آرای خود را که در مواضع دیگر با جزئیات آورده است به اختصار توضیح دهد؛ هوش مصنوعی و علوم شناختی که به بررسی وضعیت کنونی آن و بیان اندیشه‌های اخیر سول در این باره اختصاص دارد؛ فلسفه زبان که در آن سول سل با برقراری ارتباط میان ایده‌های مختلف، پاسخ‌هایی اصیل به پرسش‌های بنیادی می‌دهد. به‌علاوه در این کتاب جستارهایی درباره محدودیت‌های تحقیق و تفحص پدیدارشناختی، مسئله ذهن-بدن و نیز چستی و آینده فلسفه از نگاه سول یافت می‌شود.



عکس: یلدا معماری / جامعه فردا



گفت و گو با مهدی تدینی، معرف و مترجم کتاب‌های ارنست نولته

دعوی تاریخ‌نگاران بر سر جنازه فاشیسم

اگر چه خوانندگان حرفه‌ای در ایران با اندیشه بسیاری از متفکران غربی آشنا شدند در این میان برخی نیز یاد از ایران مهجور ماندند یا هرگز به جامعه ایرانی معرفی نشدند. در این میان، صفحه کتاب فردا کتاب‌های ارنست نولته را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان قرن بیستم در آلمان و اروپا که برای نخستین‌بار با ترجمه‌های مهدی تدینی، نویسنده، پژوهشگر و مترجم به ایران آمده را مدنظر قرار داده است تا به‌اهمیت برسی اندیشه‌های ارنست نولته بپردازیم. در گفت‌وگو ی این شماره بر کتاب‌های «ایدئولوژی‌های خشونت‌قرن بیستم» و «جنبش‌های فاشیستی» منتشر شده در انتشارات ققنوس، «آشوویتس یکتا؟ ارنست نولته، یوگن هابرماس و ۲۵ سال دعوی تاریخ‌نگاران»، انتشارات کویر و «ارنست نولته، سیمای یک تاریخ‌اندیش» منتشر شده در انتشارات ثالث مروری کوتاه خواهیم کرد.

افسانه فرقدان

نویسنده

ما قبلاً درباره کتاب **هولوکاستست** با شما صحبت کرده‌ایم اما اکنون و در ابتدا می‌خواهیم درباره یکی از کسانی که نظرات تأثیر گذاری درباره **حادثه هولوکاست ارائه کرده** حرف بزنیم. ما **ارنست نولته** را به‌ویژه با **محوریت فاشیسم‌شناسی برای اولین‌بار** یا **ترجمه‌های شما شناختیم** و پیش از این **کتاب‌های او در بازار کتاب ایران نبود**. قرار بر این است که **چهار کتاب** از او را با ترجمه شما معرفی کنیم؛ **پس ابتدا از ارنست نولته بگوییم** و بعد **سراغ تک تک کتاب‌ها برویم**.

ارنست نولته تاریخ‌خوان نبودو تحصیلاتش در فلسفه آغاز کردو از شاگردان مارتن هایدگر بود. او سال ۱۹۲۳ در آلمان متولد شد و ۱۹۴۴ در اواخر جنگ جهانی قصد داشت که رساله‌اش را با هایدگر بنویسد. در این سال، نولته ۲۱ ساله بود و سؤال بزرگ این است که در آلمان درگیر جنگ، نولته در دانشگاه چه می‌کند؟ شاید باید با سربازی می‌بود یا در جبهه‌ها می‌جنگید. نولته معلولیت ناچیزی در سست چپش داشت و همین باعث شده بود تا سربازی معاف شود و جالب اینکه برادر نولته در جنگ کشته می‌شود.ارنست نولته ناراحت بود که عزیزانش در جنگ کشته می‌شوند و او هیچ سهمی در جنگ ندارد. بنابراین در دانشگاه فلسفه خواند و با فاشیسم‌پژوهی روی آورد، منتها با رویکرد فلسفی. او توانست رساله دکترایش را با هایدگر بنویسد اما پس از آن با دوست و همکار هایدگر رساله دکترایش را درباره مارکسیسم و ایده‌الیسم آلمانی نوشت و به درجه دکتری فلسفه نائل آمد. ۱۰ ساله به پروژه پرداخت و ۲۰ سال معلمی کرد و سال ۱۹۶۳ به یک‌باره کتاب حجیم و‌مختصر به‌فردی منتشر کرد به‌نام «فایلمس در دوران آن» و «باین کتاب به یک‌باره به یکی از چهرهای درخشان تاریخ‌نگاری آلمان تبدیل شد و با همین کتاب از سوی دانشگاه کلن برای پست دکترا پذیرفته شد.نولته کار خودش را با فاشیسم‌پژوهی آغاز کرد، اما نه صرفاً فاشیسم‌پژوهی تاریخ‌نگارانه بلکه نوعی فاشیسم‌پژوهی فیلسوفانه. یعنی سعی کرد با نوعی فلسفه ریشه‌های فاشیسم را بشناسد. یک نکته: مگر نه اینکه فاشیسم برای اولین‌بار در ایتالیا ظهور کرد؟ ما وقتی می‌گوییم فاشیسم یعنی ایتالیا و موسولینی، حالا پرسش این است که ما اجازه داریم به هیتلر یا به کسی که خارج از حزب فاشیسم ملی ایتالیاست، فاشیسم بگوییم؟ اگر ما این کار را نکنیم به یک تعریف عام در فاشیسم اعتقاد داریم یعنی تمایزی وجود دارد؛ بین فاشیسم به‌عنوان پدیده‌ای عام و فاشیسم به‌عنوان پدیده‌ای خاص. یعنی کسی در کشورهای دیگر به غیر از ایتالیا می‌تواند به فاشیسم معتقد باشد، آیا می‌توانید این پیش‌فرض را در نظر بگیرید که فاشیسم یعنی پدیده‌ای فرایتالیایی و جهانی باشد. چه کسانی معتقد بودند فاشیسم یک پدیده فرایتالیایی است؟ چی‌ها و مارکسیست‌ها، یعنی نخستین گروهی که فاشیسم را به‌عنوان پدیده‌ای عام تعریف کردند مارکسیست‌ها بودند و تنها کسی که خارج از میانی مارکسیستی فاشیسم را به‌عنوان پدیده‌ای عام تعریف کرد، ارنست نولته در سال ۱۹۶۳ بود. او در این کتاب سه جنبش بزرگ را در سه نقطه اروپا بررسی کرد؛ جنبشی در فرانسه که ۲۰ سال پیش از فاشیسم ایتالیا شکل گرفته بود، جنبش فاشیستی ایتالیا و جنبش ناسیونال سوسیالیستی آلمان.

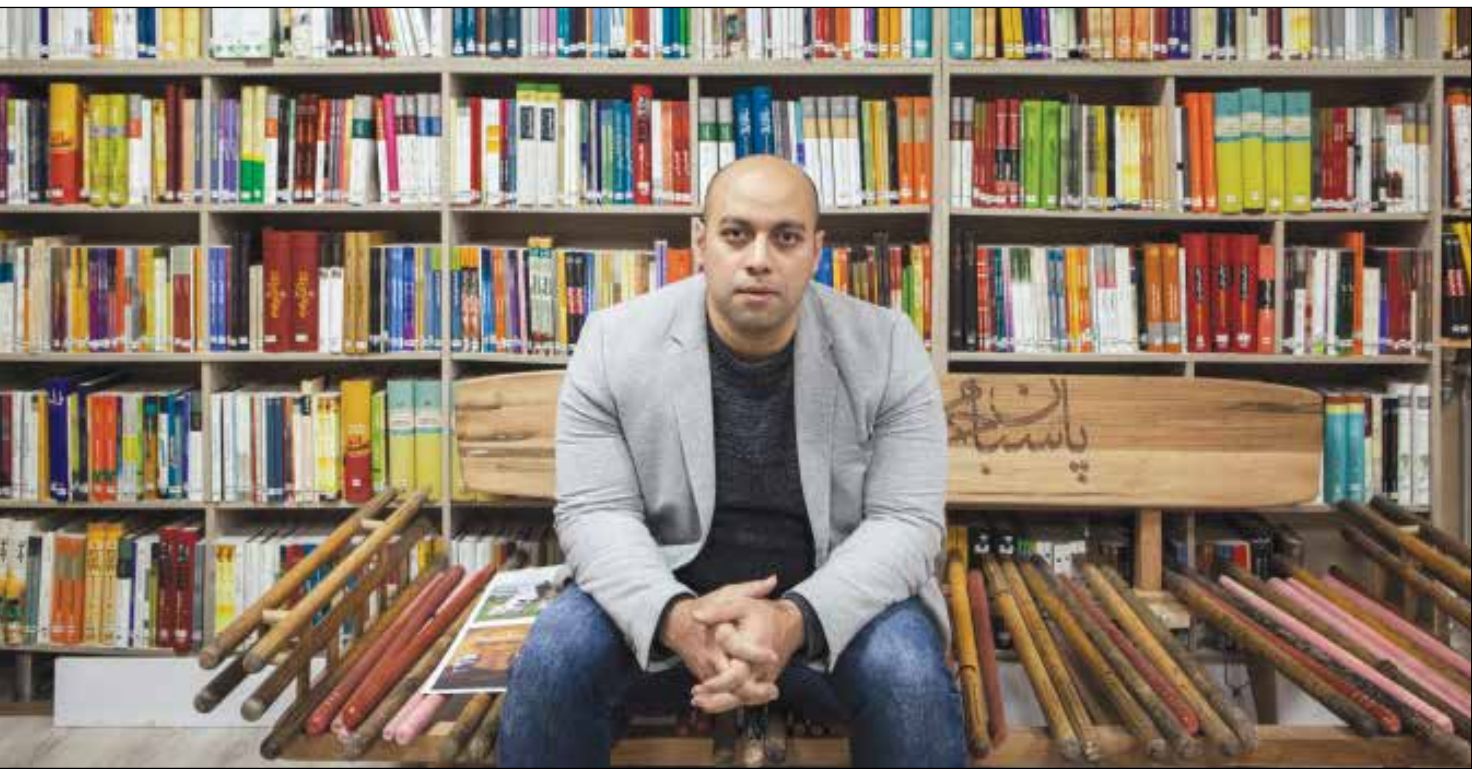
آیا جنبش فاشیستی فرانسه مختصات فاشیسم در ایتالیا را داشت؟

نکته همین است که نولته به یک‌باره دست روی جنبشی گذاشت که چندان شناخته‌شده نبود اما آنجا را به‌عنوان نخستین ظهور و بروز فاشیسم شناسایی کرد و اولین حزبی بود که آکادمی حزبی تشکیل داد، اولین حزبی بود که بازوی نظامی یا گروه فشار تشکیل داد و روزنامه تاسیس کرد و توانست نظام نظری کاملی را برای ایدئولوژی خودش تشکیل کند. نولته این را فاشیسم آغازین می‌داند و بعد فاشیسمی نورمال و به‌نحجار داریم که در ایتالیا ظهور کرد و بعد فاشیسم رادیکال را شناسایی می‌کند که ما آن را به‌عنوان نازیسم هیتلر می‌شناسیم. نولته در

گاز فلفل به او حمله کردند. دعوی تاریخ‌نگاران دعوا بر سر تفسیر یهودی کشی بود.

اختلاف هابرماس و ارنست نولته در دعوی تاریخ‌نگاران بر سسر شدت و هولناکی هولوکاست بود؟

چندسال به عقب برگردیم؛ سال ۱۹۱۷ روسیه انقلاب شد و نظام تزاری سرنگون شد اما بعدلنین انقلابی در انقلاب کرد و بلشویک‌ها قدرت را در دست گرفتند و تمام احزاب غیربلشویک را از بین بردند و در پی اجرای عملی نظریه مارکسیستی برآمدند که هدف نهایی‌اش ایجاد جامعه بدون طبقه‌است و طبقه زارعان، تسویه شدند که به آنها گولاک می‌گویند. یک پروژه بزرگ نولته پروژه پدیدارشناسی فاشیسم بود اما اینجا نولته به‌عنوان یک متفکر فاشیسم‌شناس معقولیت عمومی در سراسر آلمان داشت و در خارج از آلمان شناخته شده بود و دو دهه در خشان پیش روی داشت و در دانشگاه‌های مختلف دنیا تدریس کرد و در گام بعدی روی فاشیسم نماند و آن را بسط داد و بسر ایدئولوژی‌پژوهی تمرکز کرد و کتاب‌هایی درباره جنگ سرد نوشت؛ به‌خصوص کتابی که سال ۱۹۸۳ درباره مارکسیسم به‌عنوان مارکسیسم و انقلاب صنعتی نوشت. سال ۱۹۸۶ در نقطه‌عطف، زندگی نولته به‌عنوان فاشیسم‌شناس به نشستی دعوت می‌شود تا به‌عنوان سخنران درباره گذشته آلمان صحبت کند اما گویا با فشاری که هابرماس وارد می‌کند این دعوت از او پس گرفته می‌شود و سخنرانی او را مناسب تشخیص نمی‌دهند. ریز آن نشست چپ‌گرایانه بود. در این نشست متفکران درباره جامعه و فرهنگ آلمان سخنرانی می‌کنند. یک پرسش بزرگ وجود داشته و آن اینکه آلمانی‌ها باید با گذشته خودشان چه کنند؟ گذشته‌ای که در آن آلمانی‌ها وارد جنگی شدند و میلیون‌ها انسان بی‌گناه

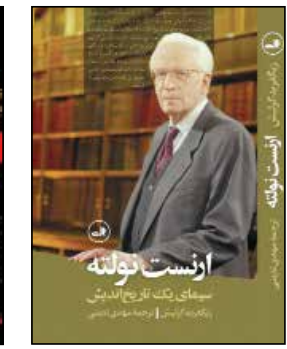
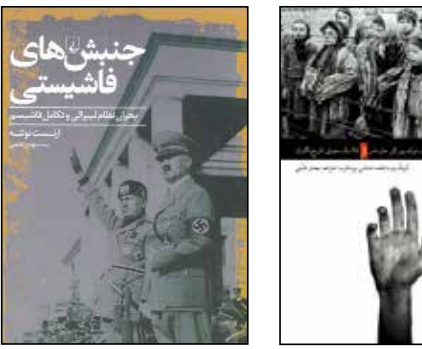
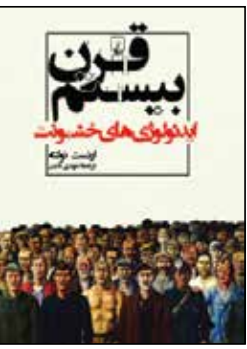


یک تاریخ‌اندیش» که زندگی نولته را به‌خوبی پوشش داده که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است و برای اینکه ما نولته را بطور کلی بشناسیم کتاب خوبی است. شما خودتان **چطور** با ارنست نولته آشنا شدید و سپس به ترجمه آثارش روی آوردید؟

من روی فاشیسم کار می‌کردم و کتاب‌هایی مثل نظر بهای فاشیسم، فاشیسم و کاپیتالیسم را ترجمه کردم که در این کتاب‌ها بسیار به نولته اشاره می‌شد. بعد به سراغ خود نولته رفتم و به نظر یاتش علاقه‌مند شدم و تمرکزم را متوجه نولته کردم و طی ترجمه با نولته نامه‌نگاری کردم و او هم بسیار استقبال کرد و روابطمان بیشتر شد و برای تحصیل در رشته دکترا از او کمک گرفتم چون رساله دکترامن درباره نولته و تاریخ‌اندیشی در یکی از دانشگاه‌های آلمان است. بسیار کمک و همدلی کرد و او انتشار کتاب‌هایش در ایران خیلی استقبال می‌کرد.

نیم‌چرا تصور کردید که خواننده ایرانی نیز دارد یا اندیشه‌های نولته با محوریت فاشیسم‌شناسی آشنا شود؟

اکنون جواب این پرسش را مختصر می‌دهم و می‌گذارم به‌عنوان آخرین پرسش و مفصل‌تر پاسخ خواهد داد. اولاً وقتی درباره فاشیسم صحبت می‌کنیم که یکی از نخله‌های شاخص نولته است و به گمان من لازم بود نولته به خواننده ایرانی شناسانده شود. اما موضوع بدیهی این است که دعوی بزرگی در غرب شکل می‌گیرد. یک سو هابرماس است که همه می‌شناسیم، ستایشش می‌کنیم، مبنای بسیاری از رساله‌های دانشگاهی ماست، به ایران دعوتش می‌کنیم، اما آن طرف دعوا، نه تنها کتابی از آن ترجمه‌نشده بلکه ما حتی اسمش را هم نشنیدیم و این از کم‌کاری ماست. تا زمانی که دعواهای نظری



را به‌طور کامل منتقل نکنیم نمی‌توانیم درک کنیم. چطور می‌شود هابرماس را به‌تنهایی شناخت. پازل نظری آن که انتقال دادیم پازل ناقصی است و این اصلی‌ترین دلیل من برای ترجمه آثار نولته بود که نباید تصویر ناقصی از اندیشه‌های غربی داشته باشیم و با این تصویر ناقص نتیجه‌هایی هم که می‌گیریم نتیجه‌های ناقصی است. فاشیسم‌شناسی مورد نظرم بود اما نولته کسی است که بر سر اندیشه‌های او دپو بوده و اگر ما اسمش را نشنیدیم، این از کم کاری ماست. ضمن اینکه دعوی تاریخ‌نگاران مسئله مهمی است. ما فلسفه می‌خوانیم، تاریخ می‌خوانیم، اخبار را پیگیری می‌کنیم اما از این دعوا بی‌خبریم. ما هم ممکن است از این دعوها داشته باشیم، باید به‌فهمیم آنها چرا بهم درگیر شدند. چرا این دو متفکر هیچ‌وقت سر یک میز نشستند تا با هم بحث کنند. بنابراین من ضروری دانستم کتابی درباره دعوی مهم آشنا شویم، بنابراین کتاب «آشوویتس یکتا؟» را ترجمه کردم تا با این مبحت بسیار مهم آشنا شویم، بنابراین کتاب «آشوویتس یکتا؟» در دوره پساتاریخ گذار کردیم یا نه؟ و در همه اینها یک چیز در نولته ثابت بود و آن تاریخ‌اندیشی بود. تاریخ‌اندیش فیلسوفی تاریخ فرق دارد.

برویم سراغ اولین کتابی که شما از ارنست نولته ترجمه کردید.

من ترجمه کارهای اصلی نولته، ارد دست دارم. منتها آن کتاب بسیار حجیم هستند. به همین خاطر به فکر اقدام که یک تک‌نگاری درباره نولته ترجمه کنم که پنجاه‌سال‌زندگی نظری او را پوشش دهد. به همین جهت کتابی ترجمه کردم از یک پژوهشگر آلمانی به اسم زیگفید کربش، با عنوان «ارنست نولته سیمای

در دست داشتیم که اولی جنبش‌های فاشیستی بود که در سال ۱۳۹۳ در انتشارات ققنوس منتشر شد که یکی از کتاب‌های فاشیسیست‌پژوهی نولته‌است و این اواخر هم یعنی دوماه پیش «ایدئولوژی‌های خشونت‌قرن بیستم» از او در انتشارات ققنوس منتشر شد که این کتاب کم‌حجم‌ترین کتاب نولته است. بعد از دعوی تاریخ‌نگاران، نولته به ایتالیا نقل مکان کرد و اتفاقاً در ایتالیا خیلی محبوب بود و در فرانسه هم همین‌طور. در ایتالیا برخی درس گفتارها را برگزار کرد که بعدها منتشر شدند که موضوع نگاه ایدئولوژی‌پژوهانه در قرن بیستم است که این کتاب همان درس گفتارهاست و برای همین چندان حجیم نیست اما می‌تواند چکیده‌ای از نظرات نولته باشد، چون به انقلاب بلشویکی می‌پردازد، به انقلاب فاشیستی می‌پردازد. به جنگ سرد می‌پردازد و فروپاشی اتحاد شوروی را بررسی می‌کند و می‌توانم بگویم که جان‌مایه همه بحث‌های نولته است.

فهرست عناوین ایدئولوژی‌های خشونت‌قرن بیستم چه بودند؟

نظمام لیبرال اروپا و مراحل جنگ داخلی اروپا و نخستین نظریه‌ها درباره بلشویسم و فاشیسم و تالیاتالیسیسم و بعد به استالینیسیسم و هیتلر یسیم می‌پردازد و جمع‌بندی و یک فصل دیگر، بنابراین این دو کتاب چکیده‌های از فاشیسم‌پژوهی و ایدئولوژی‌پژوهی نولته‌است.

حتی با زبان ساده هم منطقی است. یعنی شاید اصلاً لازم نباشد وارد مسائل پیچیده هم شویم اما واکنش‌های تندی داشته، با این حساب باز خورد کتاب‌های نولته در آلمان چطور بوده‌است؟

باز خورد کتاب‌ها متفاوت است، مثلاً «فایشیست در دوران آن» همچنان دارد خوانده می‌شود و همچنان تجدید چاپ می‌شود و به‌عنوان یکی از بهترین کتاب‌های فاشیست‌شناسی از آن یاد می‌شود و به‌طور کلی جز یک کتاب نولته بقیه همچنان تجدید چاپ و خوانده می‌شوند و بسیاری از استاتان و تاریخ‌نگاران آلمانی وامدار نولته هستند. مثلاً در مراسم اهدای جایزه یکی از اندیشمندان آلمانی به‌جای انگلاد مرکل سخنرانی کرد و ضمن اینکه از اندیشه‌های نولته فاصله گرفت، کار نولته را بسیار ستود و کار او را در حد کانت و هگل ارزشمند دانست که پس از این سخنرانی به‌شدت مورد حمله قرار گرفت. گروهی فکر می‌کنند نولته منکر هولوکاست است در حالی که اینطور نبود. ضمن اینکه اگر کسی اندیشه ناسیونال سوسیالیست را بشناسد در این شک‌نمی‌کند که هیتلر و یارانش روزی یهودی‌های را می‌کشند، زیرا به این کار افتخار می‌کردند و پنهان نمی‌کردندو اگر پنهان می‌کردند به‌خاطر این بود که اعتقاد داشتند همه مثل ما آگاه به خرابکاری یهودی‌ها در طول تاریخ نیستند.

طرفه‌این است که آلمانی‌ها کسی را در ازوا قرار دادند که اتفاقاً به شرایط و آزادی جامعه آلمان کمک می‌کرد.

نولته همیشه به آزادی علم تأکید داشت. هابرماس به عدم سلطه در علم اعتقاد داشته اما خودش و جناحش یک جور تسلط از پایین را اعمال می‌کردند و دهان نولته را می‌بستند. کسانی در آلمان اعتقاد داشتند که نولته پیش از بحث کردن باید عذر خواهی کند و او تمییلش را با آتش کشیدند و این فرمان آتشی بود که هابرماس داد و در پشت این فرمان اتفاق‌های خیلی بدی افتاد. نولته سروریاستار مجموعه یادداشت‌های هر تسل از میشل‌نگاران صهیونیست بود، یعنی تا این حد مورد اعتماد بود که مجموعه‌ای از تاریخ‌نگاران یهود زیر نظر نولته یادداشت‌های ۱۰ جلدی هر تسل را چاپ می‌کردند. بعد از دعوی تاریخ‌نگاران سوسیاستاری تحت فشار گروه مخالف از نولته گرفته شد. پرسش اینجا بود که چه کسی فرمان داد که دهان نولته بسته شود. پس این دیگر فضای آزادی نیست. دانشجوین برای این با نولته مخالف بودند چون معتقد بود فضای دانشگاه برای کارهای چریکی نیست و این حرف‌ها متعلق به دهه ۶۰ است. نولته از همه جهت مورد حمله بوده، حتی از محافظه‌کاران و این در ذات یک اندیشمند مستقل است.

پیش از این گفتید درباره دلایل ترجمه‌ها بیشتر توضیح می‌دهید.

من دلایل مختلفی برای ترجمه اندیشه‌های نولته داشتم، و فکر می‌کنم یکی، دو دهه دیگر کار دارد تا من تمام آثارش را ترجمه کنم. دلیل اصلی من این نیست که ما صرفاً با فاشیسم و نولته آشنا شویم، نولته الگوهای تاریخ‌اندیشی دارد یعنی روش ایجاد کرده ما با درس‌هایی که از نولته می‌گیریم، می‌توانیم روش‌های خودمان را نسبت به اکنون و آینده بازنگری کنیم. یعنی نولته تنها اصل محتوای سومندی دارد بلکه به ما لگوی تاریخ‌اندیشی می‌دهد.

مخاطبان این چهار کتاب، یعنی اندیشه‌های ارنست نولته با محوریت فاشیسم‌شناسی در ایران چه کسانی هستند؟

حوزه تاریخ و جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، روانشناسی توده‌ها، فلسفه تاریخ و تاریخ‌نگاری ، به‌طور کلی مخاطبان گسترته‌ده‌ای دارد. اما مهم‌تر از همه برای من این است که نولته با ۵۰ سال کار نظر می‌گذرد که نوعی تاریخ‌نگاری ایجاد کرده که منحصر به آلمان و اروپا و جنگ جهانی نیست. این الگوراهم‌جا می‌شود محتوای جدیدی داخلش ریخت و نتیجه گرفت. نولته برای ما فرمول ایجاد کرده زیرا بادستگاه نظری‌ای که برای ما ساخته می‌توانیم یک محصول ملی ایجاد کنیم و چون با بقیه فرق دارد هابرماس می‌کند. بعد اینکه فاشیسم و ناسیونال سوسیالیسم و مارکسیسم را بشناسیم، توالتیالیتر یسیم را بشناسیم و به‌فهمیم آیا ما به پساتاریخ گذار کردیم یا نه؟ نولته ویژگی‌های وجود تاریخی را تعریف کرده و می‌گوید انسان اگر این ویژگی‌های وجود تاریخی را نداشته باشد می‌شود انسان تاریخی و اگر اینها را نداشته باشد از تاریخ خارج شده است. در واقع کار بزرگی کرده است. چون الگوی اندیشه ایرانی ایجاد کرده که مهم‌تر است.

در جامعه ایرانی این کتاب‌ها نباید چندان خواننده عام داشته باشند مگر کسی که علاقه‌مند به موضوع باشد. اندیشه‌های نولته در کدام بخش از جامعه ایرانی مفید واقع می‌شود؟

همه کسانی که در علوم‌انسانی کار کردند می‌توانند مخاطب کارهای نولته باشند به‌ویژه علاقه‌مندان به تاریخ، سیاست و علوم اجتماعی.